

بررسی فقهی و حقوقی حبس زوج ناشی از بدهی های مالی به زوج

سمیه امیر حسینی^۱

عبدالرسول احمدیان^۲

چکیده

بی تردید تضمین حقوقی معیشت در اسلام و قوانین موضوعه کشوری، موجب حفظ و سلامت معاشرت در خانواده است. مسئله نفقه و مهریه نیز به عنوان حقوق مالی زوج، مورد توجه حقوقدانان و فقها قرار گرفته است. دیون مالی زوج به زوج در فقه و حقوق احکام متعددی دارد؛ لذا مورد بحث و اختلاف نظر فقها و حقوقدانان می باشد. از آنجا که پرداخت بدهی در صورت تمکن مالی واجب است و زندانی نمودن بدهکاران مهریه در صورت اثبات نشدن تمکن هیچ گونه مستند شرعی ندارد؛ اما متأسفانه بی توجهی به مسائل فقهی و حقوقی مهریه و نفقه در اثر مطالبه این دو منجر به حبس زوج شده است. فقدان فرهنگ سازی و اطلاع رسانی صحیح موجب گشته تعداد زیادی از طلبکاران مهریه، زوج معسر خود را با وجود علم به اعسار آنان، تحت فشار قرار دهند و گاهی به حبس متوسل شوند. آنچه مطرح است ضرورت بررسی مستندات فقهی و حقوقی احکام مدیون (زوج) در مراحل مختلف آن، تحلیلی بر خود حبس و نقدی بر رویه های جاری است. این مقاله بر آن است تا با استفاده از روش تحقیق اسنادی و تجزیه و تحلیل یافته های مرتبط به این سؤال پاسخ دهد که: حبس زوج ناشی از بدهی های مالی به زوج دارای چه احکامی است؟

واژگان کلیدی: مبانی فقهی، مبانی حقوقی، حبس زوج، ضمانت اجرا، دین، بدهی مالی.

۱. طلبه سطح ۴ موسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) خوراسگان (نویسنده مسئول)؛

somayeh.amirhoseini۲۲@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) قم؛ r.ahmadian@chmail.ir

مقدمه

با وقوع عقد ازدواج و تشکیل خانواده، رابطه زوجیت محقق می‌شود و حقوق و تکالیف بر زوجین واجب می‌گردد. در این زمینه یکی از مسائلی که مورد توجه جامعه شناسان، حقوقدانان و سایر علمای علوم انسانی قرار گرفته است، مسئله نفقه و مهریه می‌باشد که از جایگاه رفیعی در حقوق خانواده برخوردار است؛ زیرا طرح دعاوی این دو در محاکم دادگستری از سوی زنان و تراکم و تعدد دعاوی مربوط دلالت بر این مدعاست و چه بسا بعضی از پرونده‌های مطروحه در مراجع ذیصلاح قضایی، منجر به صدور حکم طلاق شده است که پایه و اساس ابتدایی آن دعاوی پرداخت نشدن مهریه و نفقه توسط زوج آغاز شده است. با این اوصاف، قانون حمایت از خانواده و اعلام ماده ۲ محکومیت‌های مالی ناشی از بدهی‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به دلیل آثار مهمی که در خانواده دارد، بحث در مورد نفقه و مهریه نسبت به بدهی‌های مالی دیگر زوج نسبت به زوجیه اهمیت ویژه‌ای دارد. موضوع زندانی شدن محکومان مهریه و نفقه یکی از معضلات جامعه طی سال‌های اخیر بوده است؛ اما افزایش آمار زندانیان دیه و مهریه و نیز تأکید مقام معظم رهبری برای زندان زدایی باعث شد قوه قضائیه این موضوع را با حضور کارشناسان داخل قوه قضائیه و خارج آن مورد بررسی قرار دهد. بحث در مورد مسأله حبس و زندان و کسانی که حبس آن‌ها واجب یا جایز است در کتب فقه و حدیث ضمن ابواب مختلف و متفرق، ذکر شده و فصل مستقل و باب علی‌حده برای آن گشوده نشده است. لازم به ذکر است ماده حبس در آیات شریفه قرآن سوره نساء، مائده و توبه ذکر شده است.

در پیشینه این تحقیق کتاب‌ها و مقالات مختلفی پیرامون ماهیت و چرستی مهریه، انواع مهریه و دیون مالی موجود است، از جمله: کتاب "حقوق مالی زوجیه" از فرج الله هدایت نیا که فقط به حقوق مالی اشاره دارد. همچنین "مطالبات زوجیه و روش وصول آن" از حسین مهرپور و محمدروشن، در این کتاب به مطالبات زوجیه پرداخته شده ولی دیون را با انواع ضمانت اجراها بیان نکرده است.

همچنین در مقالاتی نظیر: "بررسی احکام فقهی بدهکاران مهریه" از جواد ایروانی که ایشان به مستندات فقهی احکام مدیون (زوج) و احکام خاص بدهکاران مهریه مطالبی را ارائه نموده؛ ولی

به سایر دیون مالی زوج اشاره ای نداشته اند. مقاله "اثبات اعسار زوج و تأثیر آن بر حقوق زوجه" از عبدالجبار زرگوش و همچنین مقاله "ضمانت مهریه" از علی تقی زاده و احمد موسوی که فقط به بحث مهریه اشاره دارد. در مورد سایر موارد از جمله ضمانت اجرایی عدم پرداخت نفقه و آثار آن و همچنین بررسی احکام فقهی مهریه نظری ندارد. بررسی مستندات فقهی و حقوقی حبس زوج و احکام مدیون در مراحل مختلف آن، تحلیلی بر موارد آثار خاصه عدم پرداخت بدهی ها به زوجه و بیان برخی از احکام و قوانین خاصه بدهکاران مهریه و نفقه جزء اهداف این پژوهش می باشد.

مفهوم شناسی

مفهوم لغوی و اصطلاحی دیون

در معنای "دین" در لغت نامه دهخدا آمده است که: مدیون [مَ دَ] (ع ص) مرد وامدار، بدهکار و غریم و مقروض را گویند. (دهخدا، بی تا) در لسان العرب دین [دَ] (ع ا) وام که ادای آن را مدت معینی باشد یا عام است و آنکه ادایش را مدت معینی نباشد، قرض نامند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۱۶۸) و در کتاب المحيط در معنای لغوی این کلمه آمده است: «و دِنْتُ الرَّجُلَ: بِمَعْنَى أَقْرَضْتُهُ، فَهُوَ مَدِينٌ وَ مَدْيُونٌ وَ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ بِمَعْنَى: ذُو دَيْنٍ» (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۹: ۳۶۰) دین و بدهی تعهدی است که بر ذمه شخص به نفع کسی وجود دارد که از حیث انتساب آن به بستانکار، طلب نامیده می شود و از حیث نسبتی که با بدهکار دارد دین یا بدهی نام دارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۱۶)

دیون به دو دسته مالی و غیرمالی قابل تقسیم است. در روابط بین زن و شوهر، حقوق مالی غالباً از آن زن است و حقوق غیر مالی غالباً به شوهر تعلق دارد و به جز ارث مرد بر همسر خود، حق مالی دیگری ندارد. (هدایت نیا گنجی، ۱۳۸۵: ۲۵) مهریه و نفقه، در ردیف حقوق مالی زوجه است که مرد موظف به ادای این حقوق می گردد. (مهرپور و روشن و محمدی، ۱۳۹۲: ۱)

مفهوم اصطلاحی حبس

"حبس" در فرهنگ عمید به معنای: بازداشت، زندانی کردن و زندان آمده است. (عمید، بی تا: ۷۷۲) فیروزآبادی در قاموس در باب حبس می گوید: «حبس به معنای مانع شدن است و اسم مکان محبس بر وزن مقتل می باشد. (فیروز آبادی، بی تا: ۲۰۵)

در اصطلاح حقوق جزا "حبس" عبارت است از: سلب آزادی و اختیار در مدت معین و یا نامعین که در آن زمان حالت انتظار و ترخیص نباشد و گرنه توقیف (بازداشت) خوانده می شود. (جعفری لنگرودی، ج ۳، ۱۳۷۸: ۱۶۴۱) در اصطلاح فقها، مفهوم حبس اعم از زندان است و با شیوه هایی مانند نگاه داشتن فرد در منزل یا همراه بودن مداوم نگهبانانِ مُدعی، با وی نیز تحقق می یابد. (منتظری، ۱۴۰۹: ۴۳۴) با این همه، زندان بارزترین و کامل ترین مصداق حبس و واجد همه ویژگی های آن است. (وائلی، ۱۳۶۲: ۱۰)

دلایل خاص حبس زوج به دلیل ترک نفقه و مهریه

در خصوص حبس زوج به علت ترک نفقه روایاتی وارد شده است: از جمله روایت معروف به جعفریات است که آمده است: أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: يُجْبَرُ الرَّجُلُ عَلَى النَّفَقَةِ عَلَى امْرَأَتِهِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ حُبْسَ وَ تُجْبَرُ الْمَرْأَةُ عَلَى أَنْ تُرْضِعَ وَلَدَهَا الْخَبَرُ. (نوری، ۱۴۰۸ق: ح ۱۷۵، ۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵: ۱۵۷، ح ۳) این روایت بر حبس مرد در صورت نپرداختن نفقه زن حکم می دهد.

شیخ طوسی در کتاب آمالی روایتی از فضل بن محمد بن مسیب بیهقی از هارون بن عمرو مُجاشعی آورده است که امام رضا (علیه السلام) از پدرانش از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل کردند که رسول خدا (صلی اله و علیه و آله و سلم) فرمودند: «لِيُؤْجَدَ بِالذَّيْنِ يُحِلُّ عِرْضَهُ وَ عُقُوبَتَهُ مَا لَمْ يَكُنْ دَيْنُهُ فِيمَا كَرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ». (حرعاملی، ۱۱۰۴، ج ۱۸: ۳۳۴) در این روایت، فرد مالداري که از پرداخت دینی که خداوند عزتمند از ادا نشدنش کراهت داشته، استنکاف نماید، مجازاتش حلال شمرده شده است. فحوای این روایت بر مشروعیت مجازات دلالت دارد و یکی از مجازات ها زندان است. همچنین روایات مبین این است که اصل مجازات و حبس بدهکار که در

اینجا مصداقش زوج بوده، مورد تأیید شارع است. به خصوص در سیره عملی امام علی (علیه السلام) زیاد دیده می شود و چنین احکامی را صادر می فرمودند.

البته در برخی روایات حبس در صورت اعسار منع شده است. از جمله روایتی به اسناد از ابن قولویه از ابن مغیره سکونی از امام سجاد (علیه السلام) نقل می کند: «أَنَّ امْرَأَةً اسْتَعْدَتْ عَلَى زَوْجِهَا أَنَّهُ لَا يَنْفِقُ عَلَيْهَا - وَكَانَ زَوْجُهَا مُعْسِرًا فَأَبَى أَنْ يَحْبِسَهُ - وَقَالَ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۱۲، ح ۷) مطابق این روایت، اگر همسر زوجه از لحاظ مالی، نادر باشد، دستور به حبس وی داده نمی شود. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۲۹۹؛ بروجردی، ۱۴۲۹، ج ۲۳: ۸۶۰)

روایت دیگری از عبدالغفار جازی سؤالی از امام صادق (علیه السلام) درباره دین مردی که مرده است پرسیدند و ایشان فرمودند: «إِنْ كَانَ عَلَى بَدَنِهِ أَنْفَقَةٌ مِنْ غَيْرِ فَسَادٍ لَمْ يُؤَاخِذْهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِذَا عَلِمَ مِنْ نِسْتِهِ الْأَدَاءَ إِلَّا مَنْ كَانَ لَا يُرِيدُ أَنْ يُؤَدِّيَ عَنْ أَمَانَتِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ السَّارِقِ وَكَذَلِكَ الزَّكَاءُ أَيْضًا وَكَذَلِكَ مَنْ اسْتَحْلَلَ أَنْ يَذْهَبَ بِمُهورِ النِّسَاءِ.» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۱۹۱) مطابق جواب امام (علیه السلام) اگر مرد از پرداخت بدهی خود سرباز زند و قصد پرداخت نداشته، به منزله دزد است؛ مانند زکات یا مهریه زنان که شامل این حکم می شود.

نظر فقهای شیعه در خصوص حبس زوج به دلیل عدم پرداخت دیون

در مورد حبس زوج موسر (ثروتمند)، شیخ طوسی در مبسوط و خلاف، محقق در شرایع الاسلام و علامه در تحریر الاحکام فتوا داده اند. (وائلی، بی تا: ۲۹۹)

از معاصران برخی گفته اند: حاکم یا مومنان عادل او را وادار می سازند؛ و برخی دیگر بیان می دارند که: حاکم وی را به یکی از دو کار، انفاق یا طلاق ملزم می کند و اگر انجام نداد حاکم از طرف او طلاق می دهد. (همان)

شیخ طوسی می فرماید: در صورتی که زوج در دادن نفقه توانا باشد؛ ولی ندهد، حاکم وی را موظف به ادای نفقه زن می کند اگر نداد، او را وادار می سازد اگر زیر بار نرفت وی را به حبس می افکند تا بر زوجه انفاق کند. (طوسی، ۱۳۸۸: ۲۲)

محقق حلی بیان دارد: اگر در پرداخت نفقه واجب، تعلل ورزید، حاکم، وی را مجبور می کند، اگر خودداری کرد او را حبس می کند. (حلی، بی تا: ۳۵۳)

۳- علامه حلی در باب این بحث می‌فرماید: دارا اگر در دادن نفقه سستی ورزد و ندهد، حاکم وی را مجبور می‌کند بدهد، اگر خودداری کرد، حبس می‌شود تا آن را بپردازد. (همان: ۴۹)

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت: حبس در مورد کسی که حقوق دیگران را نمی‌دهد لازم است، چنان که مسلم است این مورد از موارد حق الناس بوده، پس در صورت دارا بودن و مسامحه در پرداخت، زندانی می‌شود به علاوه روایاتی که در این زمینه بیان شده که می‌تواند دلیل و شاهد این امر باشد.

نظر مذاهب دیگر در مورد حبس زوج به دلیل عدم پرداخت دیون

اگر زوج از پرداخت دیون نسبت به زوج، امتناع ورزید، حاکم وی را مجبور می‌کند تا بدهد. اگر خودداری کرد، او را حبس می‌کنند؛ یا این که از مال زوج روزانه در صورت امکان برمی‌دارد و به زن می‌دهد؛ چون در موقع خودداری شخص از نفقه واجب و سایر دیون، حاکم، قائم مقام وی است و اگر غیر از کالا یا ملک، چیز دیگری نیافت آن را می‌فروشد و از آن به او نفقه می‌دهد. پس اگر مالش را پنهان کرد و حاضر شد حبس بکشد، زن می‌تواند عقد را فسخ کند؛ چون در این صورت همانند شخص معسر، نفقه دادن به زن غیر ممکن است. (بهوتی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳: ۲۵۳)

مالکیه نیز می‌گوید: اگر خود زوج مدعی توانگری بود، ولی از نفقه دادن خودداری کرد، بعضی گفته‌اند: حبس می‌شود تا اتفاق کند و بعضی گفته‌اند: قاضی از طرف او طلاق می‌دهد. (جزیری، ۱۴۰۶ ق، ج ۴: ۵۵۱ و ۵۸۶)

آنچه از ادله حبس بدهکار و مبانی فقهی آن و همچنین ادله حبس زوج به دلیل عدم پرداخت دیون مالی نسبت به زوج با استفاده از منابع فقهی و آراء نظرات فقهاء به دست می‌آید، حاکی از آن است که حبس کردن زوج به دلیل دیون مالی با حبس کردن مدیون مالی در فقه و قانون فرقی بین آن‌ها نیست، هم مهریه و هم نفقه و هم چک و... همه دین محسوب می‌شوند و در صورتی که مدیون دین خودش را پرداخت نکند، طبق ماده ۳ قانون محکومیت‌های مالی بازداشت می‌شود.

ضمانت حقوقی عدم پرداخت نفقه و مهریه

ضمانت اجرا در اصل، حمایت مراجع رسمی و یا حمایت عرف و آداب و رسوم و افکار عمومی در اعمال قانون یا عرف و عادت و اخلاق حسنه که ممکن است به صورت کلی عدم نفوذ و یا

جزئی محکومیت کیفری باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۴۲۱) این قواعد به منظور حفظ نظم جامعه و نگهداری افراد و اموال آنها توسط قوه مقننه وضع و توسط مجریه و قضائیه اجرا می گردد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۵۲۳) در صورت پرداخت نشدن نفقه و مهریه از ناحیه زوج به زوجه دو نوع ضمانت اجرا در قانون پیش بینی شده است:

الف- ضمانت اجرای مدنی یا حقوقی خصوص عدم پرداخت نفقه

مطابق ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی به طور مطلق مقرر می دارد: «زن می تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند. در این صورت محکمه میزان نفقه او را معین و شوهر را به دادن آن محکوم می نماید.»

نکته قابل ذکر در استنکاف زوج از انفاق این است که در صورت استنکاف شوهر از ادای نفقه زوجه که از مصادیق نشوز زوج می باشد، (محمدی، شماره ۲۵، ۱۳۸۳: ۲۰۶) زوجه فقط می تواند به دادگاه مراجعه نموده و درخواست حقوق خویش را داشته باشد و به هیچ وجه نمی تواند از ادای وظایف زوجیت امتناع نماید؛ یعنی عدم تمکین، مُسقط نفقه است؛ ولی عدم انفاق مجوز عدم تمکین نیست. زوج موسر، ممتنع تعزیر می شود و حکم تعزیر نیز توسط دادگاه صادر خواهد شد. (یثربی، ۱۳۶۵: ۱۳۳) و قول به اینکه زن درخواست طلاق می نماید در صورتی است که مرد نفقه او را نمی دهد، زمانی است که دچار عسر و حرج در زندگی شده و با طلاق رفع حرج از او می شود. (آیت الهی، ۱۳۷۹: ۱۳۲) بنابراین، ضمانت اجرای حقوقی عدم پرداخت نفقه زن ناظر به حالتی است که زن از طریق دادگاه های حقوقی اقدام به ارائه درخواست حقوقی مطالبه نفقه نموده و نفقه خود را مطالبه می کند که در این حالت در صورت وجود شرایط تعلق نفقه به زن، مرد موظف به پرداخت نفقه به وی خواهد شد. بعلاوه اینکه اگر مرد به دلایلی نتواند نفقه زن را بپردازد، برای زن حق طلاق بوجود خواهد آمد.

مطابق ماده ۱۲۰۵ ق.م: «در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه، چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه به عهده اوست ممکن نباشد دادگاه می تواند با مطالبه افراد واجب النفقه به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل مخارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می تواند نفقه را به عنوان

فرض بپردازند و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نمایند.» مصوب ۱۳۷۰ در رابطه با ضمانت اجرای ترک نفقه توسط زوج نسبتاً خوب تدوین شده است؛ اما در راه اجرای این قانون زوجه و فرزندان با مشکلاتی روبرو می‌شوند؛ بنابراین با توجه به این که نه تنها چنین شیوه‌ای با فقه اسلامی و امامیه در تعارض نیست، بلکه می‌توان مدعی شد که از وظایف حاکم اسلامی است.

در مورد ضمانت اجرای مدنی یا حقوقی عدم پرداخت نفقه از سوی زوج، در صورت استنکاف شوهر از پرداخت نفقه، زن می‌تواند با مراجعه به دادگاه، شوهر را ملزم به پرداخت آن نماید و این مورد اتفاق فقهای امامیه است. (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۳۱: ۳۰۷)

فقه الزام زوج به ضمانت برای نفقه آینده را از موارد «ضمان ما لم یجب؛ ضمانت چیزی که به عهده نیامده» داشته اند و باطل شمرده‌اند و گروهی دیگر به دلیل تحقق سبب و مقتضی که زوجیت است، آن را جایز می‌دانند. (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۹۳؛ امامی، ۱۳۵۷، ج ۴: ۴۴۵)

ب- ضمانت اجرای کیفری خصوص عدم پرداخت نفقه

و اما مقررات کیفری در خصوص عدم پرداخت نفقه در قانون مجازات عمومی به این شرح پیش بینی شده بود:

ماده ۲۱۴: «هرکس حاضر برای دادن مخارج ضروری زن خود در صورت تمکین نشود و طلاق هم ندهد به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.» این ماده، اولین ضمانت اجرای کیفری را پیش‌بینی کرد و بعد از آن قانون ۲۲ حمایت از خانواده با اندکی تغییر جانشین ماده ۲۱۴ شد. (یثربی، بی‌تا: ۱۳۴) و با تصویب قانون تعزیرات ترک انفاق از شدت عمل کمتری برخوردار بود و به موجب ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات^۱ مجازات ترک انفاق حداکثر تا ۷۴ ضربه شلاق مقرر شده بود، بنابراین دادگاه می‌توانست متهم به ترک انفاق را به یک ضربه شلاق محکوم نماید.

در مورد تبدیل ضمانت اجرای کیفری از حبس به مجازات شلاق دو نکته قابل ذکر است:

۱- اعمال مجازات حبس نه تنها مشکلی را حل نمی‌کرد، بلکه باعث اضمحلال خانواده نیز می‌شد، زیرا علت شکایت زوجه از همسرش، عدم پرداخت نفقه بوده است که درخواست اصلی او،

۱. جانشین و ناسخ ماده ۲۲ حمایت خانواده.

دریافت نفقه و ادامه زندگي است. پس با زنداني شدن شوهر نه تنها مشكلي از او حل نمي‌شد؛ بلکه، مشکلات او دو چندان مي‌شد. از طرف ديگر در فقه اماميه، استنکاف شوهر از پرداخت نفقه در صورت استطاعت، مستوجب تعزير اوست و ممکن است به اين جهت که به نظر نگارندگان قانون تعزيرات، حبس شوهر باعث بروز مشکلات فوق‌الذکر شده است به جای آن، مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه را تعيين کرده‌اند. (صادقي، ۱۳۹۴: ۱۸۹)

۲- در ماده ۲۲ قانون حمايت خانواده، پس از احراز وقوع جرم، دادگاه ملزم به تعيين مجازات براي مستنکف از پرداخت نفقه بود مگر اينکه شاکی خصوصي (زوجه)، اقدام به استرداد شکايت کرده و يا طلاق واقع شود.

اما در ماده ۱۰۵ قانون تعزيرات چنين الزامي براي رئيس محکمه ديده نمي‌شود؛ زيرا آخر عبارت ماده قانون مذکور به اين صورت آمده است که: «دادگاه مي‌تواند مستنکف از پرداخت نفقه را به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم نمايد.»

نوع تنظيم اين عبارت، ناشي از فلسفه مجازات تعزيري و نقش قاضي در تعيين آن‌هاست، چرا که تعيين مجازات تعزيري و مقدار آن به نظر حاکم (قاضي جامع الشرايط) واگذار گرديده و در صورتي که قاضي، اجراي مجازات را سودمند نداند و يا آن را بر خلاف مصالح خانواده تشخيص دهد، مي‌تواند از تعيين آن خودداري و يا از اجراي آن‌ها جلوگيري کند. (کاويار، ۱۳۹۴: ۱۱۵-۱۱۸)

حد فاصل سال هاي ۶۲-۷۰ مفاد ماده ۱۰۵ قانون سابق تعزيرات حاکم بود و مستنکف از پرداخت نفقه شوهر از تحمل مجازات حبس، معاف شده بود. (صادقي، ۱۳۹۴: ۱۸۹)

بدین ترتیب تجدید نظر در میزان مجازات در ماده ۱۰۵ تعزيرات ضروري به نظر مي‌رسيد. در قانون مجازات اسلامي مصوب سال ۱۳۷۰ مجازات تشديد گرديد. به موجب اين ماده مجازات ترک انفاق یک ماه تا پنج ماه حبس تعزيري است که اين حبس به موجب مقررات آيين دادرسي دادگاه‌هاي عمومي و انقلاب در امور کيفري قابل تجديد نظر است.

همان‌طور که از بررسي تمام مواد سابق و جديد مشهود است، قانون‌گذار مجدداً مجازات حبس را به عنوان ضمانت اجراي عدم پرداخت نفقه، پيش‌بيني کرده است، اما حداکثر آن را از یک سال

حبس مذکور در ماده ۲۱۴ قانون سابق مجازات عمومی، ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده و ماده ۱۰۵ قانون سابق تعزیرات به ۵ ماه کاهش داده است. در حال حاضر مطابق ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات می گوید: «هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید.» (مدنی، کرمانی، ۱۷۹: ۱۳۸۱-۱۸۲)

بنابراین ماده، ضمانت اجرای کیفری عدم پرداخت نفقه زن در صورت تحقق جرم ترک انفاق، حبس از سه ماه و یک روز تا پنج ماه تعیین شده است. با تصویب ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱، این ماده نسخ شده است. بر اساس این ماده هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود.

تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت، در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می شود. بر اساس تبصره این ماده نیز امتناع از پرداخت نفقه زوجه ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است.

ج- ضمانت اجرای مدنی و کیفری خصوص عدم پرداخت مهریه

در بحث ضمانت اجرای مدنی یا حقوقی عدم پرداخت مهریه از سوی زوج، با توجه به آنچه بیان داشته شد مهریه یکی از دیون مالی مرد است که به موجب عقدنکاح بر او واجب می گردد. با این حال، وجوب پرداخت بدهی، مشروط به تمکن بدهکار از ادای آن است و در غیر این صورت، صرفاً قصد ادای دین به هنگام تمکن واجب خواهد بود. (گلپایگانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۷۰) بنابراین ممکن است زوج یا محکوم علیه متعاقب ابلاغ اجراییه به ترتیب مذکور در آن و وفق مقررات مربوطه اقدام ننماید و یا مدعی اعسار نیز نگردد، یا در صورت طرح ادعای اعسار دعوی وی مقرون به صحت تلقی نشده و توسط دادگاه رد شود و یا طرح رسیدگی بوده و منجر به صدور حکم قطعی نشده باشد، زوجه می تواند تقاضای بازداشت وی را به اجرای احکام دادگاه خانواده تسلیم کند، در این صورت بنا به درخواست زوجه و جلب نظر و موافقت دادگاه صادر کننده،

حکم مورد اجراء نسبت به حبس وی اقدام می گردد. زوجه باید ضمن تقدیم لایحه ای به اجرای احکام، اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷ را درخواست نماید. (مهرپور، ۱۳۹۲: ۲۳۰)

طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی: «زن می تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.»

در بیان مبنای فقهی، مسأله فوق را به این صورت تحلیل می کنیم:

در میان فقهای امامیه، از ابن ادریس حلی حکایت شده که وی معتقد بوده که در صورت حال بودن مهر چنانچه زوج از پرداخت مهر معسر باشد، زوجه نمی تواند مهر را مطالبه و در نتیجه از تمکین خودداری کند. ولی این عقیده توسط مشهور فقها با این استدلال که اعسار زوج هرچند مانع مطالبه زوجه و الزام او می گردد ولی این موضوع مستلزم آن نیست که زوجه موظف به تمکین باشد، رد شده است. (مسالك الافهام، بی تا: ۴۲۱)

صاحب جواهر گفته ی ابن ادریس را ضعیف دانسته و می گوید: اعسار حق مطالبه را ساقط می کند، ولی مسقط حق حبس نمی باشد. بنابراین زن با وجود اعسار شوهر نیز حق حبس دارد (نجفی، بی تا: ۴۳) و ماده ۱۰۸۵ ق.م هم از این حیث اطلاق دارد و تفاوتی بین شوهر غنی و معسر نگذاشته است.

در توضیح نظر مشهور فقها، لازم است گفته شود که: معنا در نظریه آنان چنین است که اگر زوج در حال ایسار از پرداخت مهریه خودداری کند:

اولاً: معصیت کرده. ثانیاً: زوجه می تواند از تمکین خودداری نماید، در حالی که حق نفقه وی نیز ساقط نشده و برای گرفتن حقوق خویش می تواند به دادگاه صالحه مراجعه و دادگاه زوج را نسبت به عدم انجام وظایف شرعی مؤاخذه و او را به پرداخت مهریه ملزم نماید. ولی در صورت اعسار زوج، هرچند الزام او صورت نخواهد گرفت؛ اما زوجه هم ملزم به تمکین نخواهد شد بلکه او حق دارد از تمکین خودداری کند.

حال ممکن است که در این صورت به دلیل اینکه عدم تمکین معلول امری مقدر است، نفقه ساقط شود. پس مُسقط نفقه خواهد بود، ولی به نظر می رسد نفقه وقتی ساقط است که عدم تمکین زوجه بدون مجوز شرعی و قانونی صورت گرفته باشد و هرچند که عدم پرداخت مهر هم غیر شرعی نبوده ولی با وجود این باز به علت اینکه عدم تمکین با مجوز قانونی صورت گرفته است، لذا مسقط نفقه نخواهد بود. (صفایی، بی تا: ۲۴۷)

نکته قابل ذکر اینکه: احکام فوق هر چند از قواعد حاکم بر معاوضات گرفته شده و نکاح نیز در خصوص مهر به معاوضات مالی ملحق است، ولی با توجه به تمایزات ماهوی نکاح با سایر معاملات معوضه، مستند فقهی اصلی و اساسی در این مسأله اجماع خواهد بود. (مسالك الافهام، ج ۱: ۴۲۱؛ جواهرالکلام، ج ۳۰: ۴۱) در عقد نکاح به مجرد عقد، زوج بدهکار است و دینی بر عهده او آمده است و مابه ازائی دریافت نکرده است. بحث مالیت مهریه به خاطر حق حبس زوجه است که ادای حق زوجیت نمی کند تا مهریه را دریافت نماید و هنوز مالی نیست که به ملکیت درآمده باشد که با آن برخورد عوضین شود؛ بنابراین درخصوص بدهکاران مهریه اصل دعوا مالی نمی باشد. در صورتی که مهریه زوجه حال باشد با عدم قدرت زوج از پرداخت مهریه به صورت نقد و کسر نمودن از حقوق به طور اقساط، زوجه تا وصول مهریه حق امتناع از تمکین و استحقاق نفقه را با توجه به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی دارد. (صفایی، بی تا: ۲۶۴) در نهایت نحوه اجرای احکام مربوط به مطالبات زوجه نیز مانند دیگر احکام حقوقی و طبق قانون نحوه اجرای احکام مدنی خواهد بود. از مرداد ماه سال ۱۳۹۱ با لغو بند ج ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی ماده ۶ نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۸ اصل اولی عدم امکان حبس زوج است، مگر آنکه مطابق تبصره زوجه بتواند توانایی های مالی زوج را به قاضی دادگاه اثبات نماید و سپس در صورت استنکاف و خودداری زوج، درخواست زوجه می تواند تا تأدیه محکوم به، وی را حبس نماید. به نظر می رسد با توجه به عدم توانایی زوجه در احصاء و معرفی اموال زوج، عمل امکان حبس زوج به دلیل عدم تأدیه مهر میسر نباشد.

مراحل فقهی مطالبه دین زوجه از زوج

مرحله اول: اجبار بر ادای دین. (گلپایگانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۲۹۱)

مرحله دوم: حبس مدیونی که مال کافی برای ادای دین دارد. (روشن، ۱۳۸۷: ۱۲۵) فقها عمدتاً به جواز حبس ملیء معتقدند مبنی بر اینکه چنانچه مدیون (زوج) ملیء باشد و تمکن داشته باشد، اگر تأدیه دین را به تأخیر اندازد، عاصی و گناهکار خواهد بود و بر حاکم واجب است او را حبس نماید. (مهرپور، بی تا: ۲۳۳)

مرحله سوم: عدم جواز حبس در صورت اعسار مدیون. ادای دین در صورت اعسار مدیون، واجب نیست و طلبکار هم نباید از او مطالبه دین نماید یا بر او سخت بگیرد، بطوریکه دلایل آنچه بیان شده به شرح ذیل است:

۱- قرآن کریم در این مورد فرموده است: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» (بقره: ۲۸۰) واژه «نظرة» اسم مصدر «انظار» و به معنای به تأخیر انداختن و مهلت دادن است. (طوسی، تبيان، ج ۱: ۲۲۸) این آیه جمله خبریه در مقام انشاء است و مفهوم آن، وجوب مهلت دادن به بدهکار است. (همان، ج ۲: ۳۶۸) بطوریکه فقیهان نیز از این آیه، وجوب مهلت دادن به بدهکار معسر را استفاده کرده اند. (گلپایگانی، ج ۱: ۲۹۴)

۲- روایات ذیل نیز بر این مطلب دلالت دارند:

_ عن الصادق (عليه السلام) عن الباقر (عليه السلام): «إِنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) كَانَ يَحْبِسُ فِي الدِّينِ، فَإِذَا تَبَيَّنَ لَهُ إِفْلَاسٌ وَ حَاجَةٌ خَلَىٰ سَبِيهَ...» (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۶: ۲۹۹) علی (عليه السلام): مدیون را حبس می کرد، بنابراین اگر برای او آشکار شد که ورشکستگی و نیاز دارد، او را رها می کرد.

- عن جعفر بن أبيه (عليه السلام) عن عليّ (عليه السلام): «إِنَّ امْرَأَةً اسْتَعْدَتْ عَلِيَّ زَوْجَهَا أَنَّهُ لَا يَنْفِقُ عَلَيْهَا وَ كَانَ زَوْجَهَا مَعْسُراً فَانِي أَن مَحْبِسَهُ...» (همان)؛ یک زن خودش را برای شوهرش آماده کرده است، درحالی که مرد از زن حمایت نمی کند و نفقه او را نمی دهد و شوهرش ورشکسته است، به طوری که او باید زندانی شود... در صورت اثبات ورشکستگی و اعسار، زوج حبس نمی شود. (عاملی جبلی، بی تا، ج ۴: ۳۹)

۳- اجماع فقها بر این مطلب است، لذا این حکم اختلافی نیست و در زمان ما نیز نظر فقیهانی از جمله: امام خمینی (رحمه الله علیه)، آیت الله خویی، گلپایگانی، سیستانی و... بر این امر دلالت دارد.

از سوی دیگر، افرادی تصریح کرده اند که حکم بیان شده - وجوب امهال معسر - شامل هر مدیونی می شود. (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۵: ۳۵۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ق: ۳۶۸)

نتیجه گیری

حکم به جواز اجرای مجازات حبس، به دلیل رعایت مصالح عمومی و حقوق افراد و عدالت در سیره معصومین (علیهم السلام) به صراحت بیان شده است و عقل نیز آن را تأیید می کند. علاوه بر این در متون فقهی فقها نیز حبس بدهکار حکم به جواز آمده است. در مورد فلسفه حبس زوج، به نظر می رسد این حبس جهت برهم نخوردن نظم اجتماعی باشد، اینکه زوج خودش را در قبال زوجه دارای دین بداند و نفقه و مهریه او را پرداخت نماید و در قبال زوجه متعهد باشد. حبس در نظام کیفری اسلام مجوز شرعی دارد و در متون قانونی نیز نحوه اجرای محکومیت های مالی بیان گردیده است؛ اما متأسفانه امروزه تغییرات قابل توجهی در مقررات مهریه اعمال شده است و در سال جاری (۱۴۰۱) نیز طرح های مختلفی در ارتباط با بحث مهریه و نحوه وصول آن به مجلس ارائه شده است. از آن جهت که در عرف جامعه، سکه بهار آزادی به عنوان مهریه تعیین می شود و افزایش سرسام آور قیمت سکه در کشور، شرایط را برای پرداخت مهریه بسیار دشوار نموده است. نپرداختن مهریه به لحاظ قانونی عواقب جبران ناپذیری برای مردان دارد و در این بین ممکن است زوج روانه زندان شود. از سوی دیگر وصول مهریه نیز در مقایسه با گذشته تغییراتی در دادگاه خانواده و اجرائیه ثبت وجود داشته است. زمانی که زن دادخواست مهریه می دهد و زوج دادخواست اعسار می دهد؛ چون اعسار زوج ثابت است تا زمانی که زوجه عدم اعسار را ثابت نکند، قاضی اعمال زندان نمی کند؛ ولی برای نفقه چون جنبه کیفری دارد، در ابتدا زندان می کند و چون نمی تواند زوج اعسارش را ثابت کند و عدم اعسارش به دلیل گرفتن مابه ازاء (تمکین) ثابت شده نمی تواند از زندان بیرون بیاید. حال اگر فردی را هم برای نفقه و هم برای مهریه به صورت حقوقی زندانی کرده باشند دادخواست اعسارش که به دادگاه ارائه شد، دادگاه سریع حکم به

تقسیم می دهد و به جهت مهریه دستور آزادی می دهد؛ ولی همین قاضی برای نفقه چون عدم اعسارش ثابت است تا زمانی که نتواند اعسارش را ثابت کند در زندان او را نگه می دارند. در نظر مشهور فقها اگر زوج در حال ایسار (توانایی مالی) از پرداخت مهریه خودداری کند، هم معصیت کرده و هم زوجه می تواند برای گرفتن حقوق خویش به دادگاه صالحه مراجعه و دادگاه زوج را نسبت به عدم انجام وظیفه شرعی مؤاخذه و او را به پرداخت مهریه ملزم نماید. مقصود از مؤاخذه، تعزیر زوج می باشد؛ بنابراین اگر مدیون از پرداخت بدهی سر باز زند، ابتدا توسط حاکم وادار به ادای دین می شود و در صورت اصرار بر امتناع، حاکم می تواند او را حبس نماید تا مجبور به پرداخت بدهی گردد یا حاکم به طور شخصی اقدام به این کار می نماید. براین اساس، زندانی نمودن بدهکاران مهریه در صورت اثبات نشدن تمکن مالی، هیچ گونه مستند شرعی ندارد و مطابق ادله و مبانی پیش گفته، باید براساس رأی کارشناسانه دادگاه و مطابق با میزان درآمد مرد، مهریه همسرش تقسیم گردد و به تدریج پرداخت شود. به زندان انداختن بدهکار معسر مهریه و نفقه، پیامدهای منفی از جمله: پر شدن زندان ها، تحمیل هزینه نگهداری از زندانیان بر بیت المال، از کار افتادن بخشی از نیروی کار جامعه، وارد آمدن خسارت مالی به زن به سبب دست نیافتن به مهریه خود و بی حاصل بودن حبس شوهر برای او، مخدوش شدن کرامت افراد و... را به همراه دارد. در حالی که تقسیم مهریه، ضمن پیش گیری از پیامدهای یاد شده، به سود همسر او نیز خواهد بود. اگرچه قانون، حقوق و تکالیفی را برای زوجین تعیین کرده و ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته است، لیکن باید توجه داشت که قانون به تنهایی نمی تواند آرامش و سعادت خانواده را تأمین کند. ازاین رو خانواده باید پیش از هرچیز پای بند اصول و مبانی اخلاقی باشد و توسل به ضمانت اجرای حقوقی و رجوع به مقامات قضایی به هنگام ضرورت، به عنوان آخرین علاج، باید مورد استفاده واقع شود.

لذا آنچه در این راستا پیشنهاد می شود آن است که:

با وجود وضع قوانین حقوقی در روابط زوجین، این موضوع دلیل بر این نیست که روابط انسانی زوجین به فراموشی سپرده شود، زیرا هستند بسیاری از بانوان که نه تنها بسیاری از مشکلات و سختی های زندگی را تحمل می کنند و ادعای هیچگونه پاداش و مزدی را از همسرانشان ندارند،

بلکه خود در کانون گرم خانواده از هر نوع ایثار و گذشت دریغ نمی کنند و گاه در تأمین مخارج زندگی، هم دوش مردان به کار و فعالیت مشغول هستند. از این رو به کلیه خانواده ها توصیه می شود که ضمن آگاهی از حقوق خانواده و مقید شدن زن و مرد به ادای تکالیف متقابل، ملاک و معیار زندگی را بر اصول اخلاقی پایه ریزی و از قوانین به عنوان آخرین راه کار اجرایی استفاده نمایند.

فهرست منابع

* قرآن کریم ترجمه حسین انصاریان، کتابخانه جامع علوم قرآنی، مشکات الانوار

کتب

۱. ابن منظور، ابوالفضل، (۱۴۱۴)، **لسان العرب**، مصحح: احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت: دارالفکر.
۲. ابن عباس، عبدالله بن عباس، (۱۴۰۴ ه.ق)، **تنویر المقیاس فی تفسیر ابن عباس**، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
۳. اصفهانی، ابوالحسن، (۱۳۸۸)، **صراه النجاه (۲)** / ترجمه وسیله النجاه، مترجم: ابوالقاسم صفوی اصفهانی، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان.
۴. امامی، حسن، (۱۳۵۷)، **حقوق مدنی**، ج ۴، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم.
۵. انوری، حسن، (۱۳۸۵)، **فرهنگ نشر فشرده سخن**، ج ۲، تهران: انتشارات سخن.
۶. بهوتی، منصور بن ونس بن ادریس، (۱۴۱۶)، **شرح منتهی الارادات المسمی دقائق اولی النهی لشرح المنتهی**، چاپ دوم.
۷. جزیری، عبدالرحمن، (۱۴۰۶)، **الفقه علی المذاهب الاربعه**، ج ۴، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، **مبسوط در ترمینولوژی حقوقی**، ج ۳، تهران: انتشارات گنج دانش.
۹. _____، (۱۳۶۳)، **دایره المعارف علوم اسلامی فضائی**، کتاب فروشی تهران: گنج دانش.
۱۰. حرعاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ ق)، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه**، ج ۱۵، ابواب النفقات، باب ۱، ج ۷ و ج ۲، قم: مؤسسه آل بیت.
۱۱. حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف بن المطهر الاسدی، (بی تا)، **تحریر الاحکام**، ج ۱ و ۲، بی جا: انتشارات سنگی.

۱۲. حلی، ابوجعفر محمد بن منصور بن احمد، ابن ادریس، (۱۴۱۰ ق)، السرائر، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۱۳. روشن، محمد، (۱۳۸۷)، بررسی فقهی و حقوقی اعسار، اخلاص و ورشکستگی، تهران: انتشارات فردوسی، چاپ دوم.
۱۴. زرگوش نسب، عبدالجبار، (۱۳۷۹)، درسه فقهیه مقارنه لاحکام السجن فی الحقوق العامه (بررسی تطبیقی احکام زندان در حقوق عمومی از دیدگاه اهل تسنن و تشیع)، بی جا: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۵. سپهری، محمد، (۱۳۷۳)، زندان از دیدگاه اسلام بررسی مشروعیت موارد و احکام زندان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه قمی، (۱۴۱۰ ق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی.
۱۷. صاحب بن عباد، (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغة، مصحح: محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتاب.
۱۸. صادقی، زهرا، (۱۳۹۴)، فقه و نفقه، قم: انتشارات نورالسجاده، چاپ اول.
۱۹. صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، (۱۳۷۸)، حقوق خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم.
۲۰. طبرسی، حسن، (بی تا)، مجمع البیان، ج ۳، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۲۱. طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن، (۱۴۰۸ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: المعرفة.
۲۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، (۱۳۸۸)، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۶، تهران: المکتبه المرتضویه الاحیاء الآثار الجعفریه.
۲۳. -----، (۱۴۶۰ ق)، تهذیب الاحکام، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۲۴. -----، (۱۴۰۷ ق)، **الخلاف**، قم: نشر اسلامی، چاپ دوم.
۲۵. -----، (بی تا)، **النهايه**، بيروت: دارالكتاب العربی.
۲۶. -----، (۱۳۶۵)، **التهدیب**، ج ۶، المكتب، المرتضویه الاحیاء
الآثار الجعفریه.
۲۷. عاملی الجبلی، زین الدین بن علی، (بی تا)، **الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه**، ج ۲، نجف: انتشارات جامعه دینی، دارالعالم الاسلامی بیروت.
۲۸. -----، (۱۲۷۳ ق)، **مسالك الافهام فی شرح شرايع الاسلام**، ج ۱، قم: چاپ تهران.
۲۹. عمید، حسن، (۱۳۶۲)، **فرهنگ عمید**، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
۳۰. فیروزآبادی، ابوطاهر محمدبن یعقوب، (بی تا)، **قاموس**، ج ۲، بیروت: دارالجلیل.
۳۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷)، **حقوق مدنی خانواده**، ج ۱، تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ چهارم.
۳۲. کاشانی، محمد محسن فیض، (بی تا)، **جامع الشتات**، ج ۳، بی جا: چاپ سنگی فیض وافی.
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، **الکافی**، ج ۵، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۴. گلپایگانی، محمدرضا، (بی تا)، **مجمع الوسائل**، ج ۳، قم: دارالقرآن.
۳۵. -----، (۱۴۱۳ ق)، **کتاب القضاء**، ج ۲، قم: مبعه النخام.
۳۶. مدنی کرمانی، عارفه، (۱۳۸۱)، **دعاوی خانوادگی**، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم.
۳۷. مجلسی، محمدباقر بن محمد، (بی تا)، **ملاذالاخيار**، ج ۱۰، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷)، **کتاب النکاح**، سلسله مباحث خارج فقه، ج ۷، انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم: چاپ اول.

۳۹. -----، (۱۳۸۲)، حقوق مدنی خانواده، تهران: شرکت انتشار، چاپ ششم.
۴۰. منتظری، حسین علی، (۱۴۰۹ ق)، دراساه فی ولایه الفقیه و فقه دوله الاسلامیه، ج ۲، قم.
۴۱. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۶۳)، تحریر الوسیله، ج ۱، قم: نشر اسلامی.
۴۲. مهرپور، حسین، روشن، محمد، محمدی رمقانی، حسن، (۱۳۹۲)، مطالبات زوجه و روش وصول آن، تهران: انتشارات جنگل، چاپ سوم.
۴۳. نراقی، ملااحمد، (۱۴۱۷ ق)، عوائد الایام، چاپ سنگی مستند، ج ۲، قم: مرکز النشر التابع المکتب الاعلام الاسلامی.
۴۴. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۶)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، تحقیق قوچانی میانجی، ج ۲۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۵. نوری، حسین بن محمد تقی نوری، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مسنبط المسائل، ج ۱۳، بیروت-لبنان: موسسه آل البيت.
۴۶. وائلی، احمد، (۱۳۶۲)، احکام زندان در اسلام، مترجم: محمدحسن بکائی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۷. هدایت نیا گنجی، فرج الله، (۱۳۸۵)، حقوق مالی زوجه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۴۸. یثربی قمی، علی محمد، (۱۳۶۵)، حقوق خانواده در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

نشریات

۱. آیت اللهی، زهرا، (۱۳۷۹)، «نگاهی فقهی به ماده های قانونی نفقه زوجه»، نشریه فقه، شماره ۲۳.
۲. ایروانی، جواد، (۱۳۹۰)، «بررسی احکام فقهی بدهکاران مهریه»، آموزه های فقه مدنی، شماره ۴.

۳. بی نام، (۱۳۸۳)، «فصلنامه شواهد فرهنگی اجتماعی زنان»، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، شماره ۲۵.

۴. یثربی قمی، علی محمد، (۱۳۸۴)، «قاعده اعسار مستند عمومی رخصت های قانون گذار و قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۷۷»، مجله پژوهشی دینی، شماره سوم.

۵. کاویار، حسین، سیداله مرادی، الهام نم نبات، «تحلیل ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) در فرض اعسار و ایسار زوج با توجه به قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی (مصوب ۱۳۹۴)»، فصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۶۳.

۶. تقی زاده داغیان، مجتبی، (۱۳۸۵)، «بررسی فقهی و حقوقی قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۹.

۷. روشن، محمد، محمدی رمقانی، حسن، (۱۳۹۰)، «ماهیت حقوقی نحله»، مجله مطالعات حقوقی دانشکده حقوق دانشکده شیراز، شماره اول، دوره سوم.

منابع اینترنتی

۱. <http://lib.eshia.ir/۱۵۲۹۶/۲/۴۳>

۲. <http://www.maarefquran.com/>

۳. <http://www.normags.ir>

۴. <http://haghgostaran.ir>

۵. www.haghgostar.ir